

قصائد سعدی

تألیف

مصطفی بن عبدالله سعدی شیرازی

بر اساس نسخه‌ی

محمدعلی فروغی

انتشارات آریا اندیش

تهران - ۱۳۹۰

انتشارات آریا اندیش

اتوبان بابایی - مجتمع مسکونی امام خمینی - یاس ۵ - بلوک ۳ - واحد ۱۶

تلفن: ۰۹۳۵ ۷۰۵ ۲۸۵۸

سعدی: مصلح بن عبدالله: ۶۹۱ق	سرشناسه:
قصائد سعدی، براساس نسخه‌ی محمدعلی فروغی/	عنوان و نام پدیدآور:
تالیف مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی	مشخصات نشر:
تهران: انتشارات آریا اندیش، ۱۳۹۰	مشخصات ظاهری:
۳۳۶ ص. ۱۰x۷ س.م.	شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۶۵۶۸-۵۰-۸	وضعیت فهرست نویسی:
فبا	موضوع:
شعر فارسی - قرن ۷ ق.	شناسه افزود:
فروغی: محمدعلی: ۱۲۵۴ - ۱۳۲۱، مصحح	رده‌بندی کنگره:
۱۳۹۰ ب PIR۵۲۰۷	رده‌بندی دبویی:
۸ فا ۱/۳۱	شماره کتابشناسی:
۲۶۷۸۲۳۰	

قصائد سعدی رباعیات، ترجیعات، مفردات

تألیف

مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی

بر اساس نسخه‌ی

محمدعلی فروغی

ناشر: انتشارات آریا اندیش

صفحه‌آرایی: مونا موسوی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

نسخه ۱۰۰۰

شابک: ۸-۵۰-۶۵۶۸-۶۰۰-۹۷۸



۱۱	مقدمه
۲۱	قصائد فارسی
۹۷	مراثی
۱۰۷	قصائد عربی
۱۲۹	غزلیات مشتمل بر بند و اندیز
۱۶۳	مثنیات
۱۶۷	قطعات در بند و اخلاق و غیر آن
۲۰۷	رباعیات در اخلاق و موعظه
۲۱۷	مثنویات در بند و اخلاق
۲۲۹	مفردات در بند و اخلاق
۲۳۷	ملحقات در بند و اخلاق
۲۴۷	نصبه الملوك در بند و اخلاق
۲۷۱	رساله در عقل و عشق
۲۸۱	ترجیمات
۲۹۵	قطعات

۲۹۹ رباعیات

۳۲۱ ملحقات

www.ketab.ir

مقدمه

به نام خداوند بخشندهی مهربان

خوانندگان محترم به خاطر دارند که چهار سال پیش از این ما به طبع آثار شیخ اجل شیرازی به روشی تازه دست بردیم و از کتاب گلستان شروع کرده، سپس به بوستان پرداختیم و قسمت اعظم غزلیات شیخ را در جلد سوم قرار دادیم و اینک بقیه‌ی آثار آن بزرگوار را، از قصاید و غزلیات اخلاقی و قطعات و رباعیات و نثریات و غیره، در این مجلد چهارم جمع کرده، این مجموعه را به پایان می‌رسانیم و برای مزید استحضار خاطر خوانندگان می‌گوییم:

کلیات شیخ سعدی مطابق نسخه‌های چاپی، مشتمل بر بیست و دو، یا سه کتاب و رساله است.

آنچه پیش از گلستان درج شده، شش رساله از این قرار است:

۱. تقریر دیباجه؛ ۲. مجالس پنجگانه؛ ۳. کتاب نصیحة الملوك؛ ۴. سؤال صاحب دیوان؛ ۵. رساله‌ی عقل و عشق؛ ۶. تقریرات ثلاثه (حکایت اباقا، رساله‌ی انکیانو، رساله‌ی شمس الدین تازیکو) و کتاب‌های دیگر از گلستان به بعد از این قرار:

۱. گلستان؛ ۲. بوستان؛ ۳. قصاید فارسی و مراثی؛ ۴. قصاید عربی؛ ۵. ملّعات و مثلّات؛ ۶. ترجیعات؛ ۷. طّیّات؛ ۸. بدایع؛ ۹. خواتیم؛ ۱۰. غزلیّات قدیم؛ ۱۱. صاحبیه؛ ۱۲. مقطّعات؛ ۱۳. رباعیّات؛ ۱۴. مفردات؛ ۱۵. هزلیّات؛ ۱۶. خبیثات.

هرچند نسخه‌های بسیار قدیم که اساس کار ما در چاپ و تصحیح کلیّات بود، هیچ‌یک تمام و منظم نیست، ولی از مطالعه‌ی مجموع آنها چنین استنباط می‌شود که طرز تنظیم و از پی هم‌درآمدن کتاب‌های کلیّات از آغاز به ترتیبی بوده که در نسخه‌های چاپی مشاهده می‌شود، ولی اگر ترتیب تنظیم غزل‌ها و قطعات و رباعیّات را در نظر بگیریم، آمیختگی زیاد است و نسخه‌های قدیم و چاپی اختلاف بسیار دارد.

چنان که در مقدمه‌ی منسوب به علی بن احمد بن ابی بکر بی‌ستون ذکر شده، وی در ظرف هفت سال دو مرتبه غزل‌های شیخ را ترتیب داده است و از این عبارت که می‌گوید: «جمع آورنده‌ی دیوان شیخ (رحمة الله علیه) در اصل وضع بنیاد بر بیست و دو کتاب و رساله کرده بود.» مستفاد می‌شود که بیستون با اینکه سی و چهار سال بعد از شیخ در شیراز می‌زیسته، ظاهراً نسخه‌ی که خود شیخ ترتیب داده باشد، در دست نداشته و این کاریست که «جامع دیوان شیخ»، یعنی دیگران کرده‌اند، و بعد هم گذشته از اینکه غزل‌های هرکتاب را برای اینکه به ترتیب حروف تهجی بنا نهاده شود، جابه‌جا کرده‌اند بسیاری از غزل‌ها از کتابی به کتابی نقل شده است.

ما این نکات را در مقدمه‌ی کتاب غزلیّات گوشزد کرده‌ایم و در این جا

مقصود این است که غیر از غزلیات درباره‌ی آثار دیگر شیخ هم از: ترجیعات و رباعیات و قطعات همین تصرّفات را روا داشته‌اند که ما با توجه به نسخه‌های قدیم به این تصرّفات اشاره می‌کنیم.

در نسخ قدیم ترتیب بندهای ترجیعات با نسخ چاپی مطابق نیست و ما غزل‌های ترجیعات را همچنان که در نسخه‌های قدیم مرتّب شده، به چاپ رساندیم.

ملفوظات دو قسمت شده، آنچه غزل است در ضمن غزل‌ها آمده و آنچه ابیات آن پیش از حدّ غزل و یا در نصیحت است، پس از قصاید عربی آمده و مثلثات هم از آن جمله به شمار است و ما هم تقریباً این ترتیب را رعایت کردیم.

رباعیات شیخ، بعضی در اخلاق و یا در واقعه است و این رباعیات در نسخه‌های قدیم جزو قطعات کتابت یافته و آنچه در مغازله است، جداگانه به نام «رباعیات» خوانده شده و ترتیب آن هم به حروف تهجی نیست. ما رباعیات عشقی و اخلاقی را از هم جدا ساختیم و مانند غزل‌ها به ترتیب حروف تهجی درآوردیم.

در نسخه‌های قدیم هم مانند بعضی از نسخ چاپی قسمتی از قطعات را «صاحبه» و قسمتی را «مقطعات» خوانده‌اند، ولی این قطعات که به دو نام نامیده شده، مخلوط است و ترتیب آنها هم یکسان نیست. ما این قطعات را به ترتیب حروف هجا تنظیم کردیم و چون از کلمه‌ی «صاحبه» مستفاد می‌شود که بعضی از این قطعات در ستایش و درباره‌ی صاحب‌دیوان بوده، در ذیل صفحات اشاره نمودیم.

در پایان قطعات بعضی حکایات و مثنوی‌هاست که در نسخه‌ها ثبت شده، ولی عنوان جداگانه ندارد؛ ما نیز به پیروی نسخه‌ها، این مثنوی‌ها را پس از پایان قطعات آوردیم. همچنین چون ابیاتی از بوستان به شکل قطعه‌ی جداگانه در میان آنها بود، چاپ مجدد آنها را لازم ندانستیم. این نکته را نیز بگوییم که در ضمن مقطعات هم، بعضی از قطعات گلستان آمده بود که تکرار آنها را بیهوده انگاشتیم، مگر آن جا که شعر با تغییر نقل شده بود که در ذیل صفحه اشاره نموده‌ایم.

مفردات را نیز که در اخلاق یا مغازله بود، از هم جدا کردیم و به ترتیب حروف تهجی مرتب ساختیم (چنان‌که در کلیات چاپی هم شده بود).

باری، چنان‌که در مقدمه‌ی غزلیات گفته شده، ما کلیه‌ی آثار شیخ را (غیر از بوستان و گلستان) در دو جلد فراهم آوردیم:

جلد اول: آنچه در مغازله و معاشقه است از غزل و قطعه و رباعی و غیره که به نام «غزلیات سعدی» انتشار یافته و این کتاب طیبیات، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیم (غزل‌هایی که در ستایش یا موعظه است، از میان آنها کشیده شده)، ترجیعات، قطعات، رباعیات، مفردات - که در مغازله و معاشقه است - در برمی‌گیرد.

جلد دوم: آنچه در ستایش و در اخلاق و پند و موعظه و یا واقعه است که به نام «موعظ سعدی» خوانده می‌شود و این کتاب مشتمل بر دو قسم است:

قسمت اول: قصاید فارسی و مرثی (غزل‌هایی که در ستایش بوده و در

ضمن قصاید گنجانده شده)، قصاید عربی و مثلثات؛ غزل‌های عرفانی و اخلاقی (این غزل‌ها از طئیات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم گرفته شده است)؛ قطعات (صاحبیه و مقطعات)؛ رباعیات و مفردات که در بنده و موعظه است.

قسمت دوم: رسائل شش‌گانه که در کلیات چایی قبل از گلستان درآمده است.

در باب این رسائل نظر خود را اجمالاً در فهرستی که برآن قرار داده‌ایم، گفت‌ایم و تکرار می‌کنیم که این مجموعه را به چهار بخش می‌توان کرد: ۱. آنچه به یقین می‌توان گفت به قلم شیخ است و آن کتاب نصیحة الملوک است و رساله‌ی عقل و عشق و رساله‌ی انکیانو. کتاب نصیحة الملوک و رساله‌ی انکیانو به یک روش است و معلوم می‌شود که شیخ خواسته نکاتی را که مخصوصاً در بوستان به شعر فرموده، با زبانی ساده‌تر برای امرای ترک‌زبان بگوید.

رساله‌ی عقل و عشق هم در پاسخ سؤال منظوم یکی از دانشمندان معاصر سعدی به نام سعدالدین النظری است و به همین مناسبت در نسخه‌ی نفیس آقای دانش خراسانی که آن را در مقدمه‌ی غزلیات وصف کرده‌ایم، در صدر رساله نوشته شده «رسالة النظریه» و عباراتی که در آخر رساله در این نسخه است، به عین نقل می‌شود: «تَمَّتِ الرِّسَالَةُ فِي الْعَقْلِ وَالْعُشْقِ فِي جَوَابِ الصِّدْقِ الْكَامِلِ الْمُتَّبِعِ الْمَحَقِّقِ، مَلِكِ الشُّعْرَاءِ سَعْدِ الْمَلِكَةِ وَالذِّينِ النَّظْرِيِّ غَفَرَاللَّهُ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَكَتَبَهُ الْعَبْدُ عَبْدُ الصَّمَدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَمْعَدُ أَصْلَحَ اللَّهِ شَأْنَهُ وَغَفَرَهُ وَلِوَالِدَيْهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

احدی و عشرين و سبعمائه»، و باید بگوییم که در دو نسخه‌ی بسیار قدیم رساله‌ی عقل و عشق و نصیحة الملوك کتابت شده، ولی رساله‌ی انکیانو در این نسخه نیست و ممکن است سقط شده باشد و این خود دلیلی دیگر بر صحت انتساب این رسائل به شیخ سعدی است. نکته‌یی که لازم است یاد کنیم، این است که مندرجات کتاب نصیحة الملوك در نسخه‌ها تقدیم و تأخیر داشت و برای اینکه جمله‌ی سقط نشود و مقابله‌ی نسخ سهل گردد، مطالب را به وسیله‌ی اعداد جدا کردیم.

۲. پنج مجلس است در موعظه که به نظر ما اگر از شیخ هم باشد، در منبر یا مجلسی تقریر فرموده و دیگران به نگارش درآورده‌اند. این مجالس در نسخه‌های بسیار قدیم که در دسترس است، وجود ندارد و ممکن است افتاده باشد.

۳. رسائلی که به نام «تقریرات ثلاثه» در احوال شیخ نوشته شده، از این قرار: سؤال صاحب دیوان از شیخ، ملاقات شیخ با آباقا و رساله‌ی شمس‌الدین تازیکو، که چنان که از مندرجات آنها شکار است، دیگران در احوال شیخ نوشته‌اند و تنها اشعاری که در این رسائل گنجانده شده، از شیخ است؛ ولی مطالب این رسائل به نظر ما مشکوک است که از شیخ باشد و در نسخ معتبر و قدیم نیست.

۴. ملحقات رسائل که عبارت است از مقدمه‌ی منسوب به بیستون و دیباچه‌ی که بر کلیات شیخ نوشته‌اند و بدون تردید از دیگران است. ما این رسائل را با تقدیم و تأخیری که ترتیب آن را یاد کردیم، با اینکه تردید نداریم که بخش سوم و چهارم آن از شیخ نیست، در این کتاب

آوردیم و چون ممکن است بعضی بخواهند این دوره‌ی کلیّات را یک جا جلد کنند و رسائل را چنان که در کلیّات چاپی معمول است، در اوّل کلیّات پیش از گلستان درآوردند، آن را از سایر قسمت‌ها جدا ساختیم.

با توضیحاتی که داده شد، خوانندگان توجّه می‌فرمایند که از کتب و رسائل سعدی که در کلیّات چاپی آمده (غیر از خبثات و هزلیات) هیچ یک ترک نشده و کلیه‌ی آنها در چهار مجلد به روشی که بیان کردیم، به چاپ رسیده و اگر بگوییم این دوره از سایر کلیّات‌هایی که تاکنون به چاپ رسیده، گذشته از چه‌گونگی و کیفیت و صحت، تمام‌تر و کامل‌تر هم هست، اغراق نگفته‌ایم، زیرا هم غزلیات و قطعاتی را که در نسخه‌های قدیم دیده شده و در نسخه‌های چاپی نیست، در این دوره ثبت کردیم و هم اشعاری را که در نسخه‌های مختلف خطی و چاپی به شیخ نسبت داده‌اند، به نام «ملحقات» به آن افزوده‌ایم.

چند تن از دوستان به ما گفته‌اند و شاید کسان دیگری هم باشند که طریقه‌ی ما را که ما در تنظیم کلیّات به کار برده‌ایم، نپسندیده‌اند، ولی به عقیده‌ی ما ترتیب دادن آثار شیخ اجل به وجه مختلف به هیچ وجه مانعی ندارد؛ زیرا کلیّات را به شکلی که ما در دست داریم، خود شیخ تنظیم نفرموده، که اگر تصرّفی در آن بشود، ناروا باشد و چنان‌که همه می‌دانند و نسخه‌های قدیم هم گواهی می‌دهد، در موقع تنظیم اشعار شیخ به حروف تهجی، تمام غزل‌ها و رباعیات و قطعات جابه‌جا شده و

در این صورت چه اشکال دارد که آن ترتیب به صورتی کامل تر و منظم تر تجدید شود؟

تصرفی هم که ما کرده ایم، در ترتیب غزلیات است که قدیم آنها را چهار مجموعه قرار داده بودند. ولیکن هیچ معلوم نیست این تقسیم از چه وجه است، زیرا غزل های شیخ را فقط چنان که ما کرده ایم، به دو قسمت می توان منقسم نمود: یکی که مغازله و معاشقه است و دیگر که موعظه و نصیحت است. از این گذشته هر غزل منظومه ای مستقل تام و تمامی است که به هیچ وجه با غزل های دیگر ارتباطی ندارد تا تغییر ترتیب آنها تأثیری در کار داشته باشد. هیچ کس هم در مطائعه ای کلیات مفید نمی شود به اینکه از آغاز طبیات شروع کرده، مرتباً به آخر غزلیات قدیم منتهی کند و اگر مقصود این است که معلوم باشد کدام غزل را قدیماً در طبیات قرار داده و کدام یک را در بدایع یا خواتیم یا غزلیات قدیم آورده اند، ما هم این مقصود را تأمین کرده ایم، به اینکه در هر غزل نشان داده ایم، که جزو کدام مجموعه است، بنابراین گمان نمی کنم از روشی که اختیار کرده ایم لطمه ای جبران ناپذیری به آثار شیخ بزرگوار زده باشیم، فقط نشان داده ایم که غزلیات را این قسم نیز می توان فراهم آورد.

پیش از این گفتیم که ما از انتشار کتاب «غزلیات» و «خیثات» خودداری کردیم، اینک اجمالاً لازم است در این باب بگوییم:

غزلیات عبارت است از سه مجلس به نثر و مشتمل است بر مطالبی ناپسند و رکیک که حکایاتی هم به نام المصاحک به این سه مجلس

افزوده شده است. این کتاب در نسخه‌های قدیم که در دست ماست، نیست، ولی نمونه‌یی از آن در نسخه‌ی پاریس که تاریخ کتابت آن در سال ۷۶۷ هجری ست دیده می‌شود.

خیبانات عبارت از حکایات و قطعاتی ست منظوم که هرچند زُندگی دارد، ولی طرز بیان می‌نماید که از شیخ است و در نسخه‌های قدیم هم وجود دارد. به هر حال خواه این دو کتاب از شیخ باشد یا نباشد، ما چاپ آنها را شایسته ندانستیم.

و نیز یادآور می‌شویم که در یک نسخه‌ی خطی که در دست ماست، کتابی به نام «معمیات» منسوب به شیخ است. این کتاب مشتمل بر سی و یک قطعه‌ی عربی و فارسی در لغز و معماست و چنان‌که آقای عبدالعظیم قریب در مقدمه‌ی گلستانی که به چاپ رسانده‌اند، اشاره فرموده‌اند، در کلیات متعلق به ایشان هم این قطعات که شماره‌ی آن را ۴۲ قطعه دانسته‌اند، وجود دارد.

دیگر از گفتنی‌ها اینکه، در بعضی نسخه‌های چاپی مثنوی به بحر متقارب، در اخلاق شامل دویست و یک بیت به سعدی نسبت داده شد که به «کریم» معروف است. این ابیات نسبت و ناچیز در هیچ یک از نسخ خطی قدیم و جدید که ما در دست داریم، دیده نمی‌شود و به ظن نزدیک به یقین از شیخ اجل نیست.

در یک نسخه‌ی خطی هم که اعتبار آن مورد تصدیق ما نیست، قصیده‌یی به سعدی در زبان‌های شهرها منسوب است و چون با نبودن نسخه‌های متعدد تصحیح آن برای ما اشکال داشت و لازم هم

نمی‌دانستیم، به عمد آن را ترک کردیم.

نسبت به روشی که ما در تصحیح این دوره کلیّات اختیار کرده‌ایم و همچنین در توصیف نسخه‌هایی که در دست داشته‌ایم، گفتنی‌ها را گفته‌ایم، و تنها چیزی که تکرار آن را لازم می‌دانیم، این است که از دانشمندانی که چند سال نسخه‌های نفیس خود را در اختیار ما گذاشته‌اند، دیگر بار سپاسگزاری و امتنان خود را اظهار داریم.

محمدعلی فروغی - مهرماه ۱۳۲۰

www.ketab.ir